

## رد پای ساز قانون در ادبیات پارسی

پریچهر خواجه<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف از این تحقیق مطالعه‌ی ساز قانون در شعر فارسی از قرن چهارم تا یازدهم هجری است. در این قرون سبک‌های شعری متفاوتی ظهور کردند که مهم‌ترین این سبک‌ها شامل سبک خراسانی، سبک عراقی و سبک هندی است. کاربرد نام قانون در اشعار شاعران فارسی معانی چند وجهی داشته و شامل مفاهیمی چون قاعده و قانون، نام کتاب و نام ساز می‌شده است. طبق یافته‌های تحقیق، قانون به مفهوم ساز موسیقایی در شعر سبک خراسانی رایج نبوده و نخستین بار در شعر شاعران قرن ششم هجری نمایان شده است. به نظر می‌رسد در آغاز نام قانون به عنوان ساز در شعر شعرای مناطق شرق ایران کاربرد نداشته است و در قرن ششم هجری نیز نام ساز قانون در اشعار خاقانی شروانی و نظامی گنجوی به کار رفته که از شاعران مناطق غرب ایران بوده‌اند. از دیگر یافته‌های تحقیق می‌توان به فراوانی نام ساز قانون در شعر شاعران قرون دهم و یازدهم هجری در عصر صفوی اشاره کرد. کاربرد فروان نام ساز قانون در شعر شاعران سبک هندی قابل توجه است، به طوری که در اشعار بیدل دهلوی نام ساز قانون چهل بار ذکر شده است. روش تحقیق در این مقاله، روش کیفی و مطالعه‌ی اکتشافی بوده و روش گردآوری اطلاعات بر اساس روش کتابخانه‌ای است.

**کلیدواژه‌ها:** قانون، سازشناسی، شعر فارسی، تاریخ موسیقی، رابطه شعر و موسیقی.

۱. هیئت علمی دانشکده موسیقی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. Khajeh\_p@yahoo.com

## مقدمه

در این تحقیق سعی شده است تا ریشه‌ی ساز قانون در ادبیات منظوم این مرز و بوم جست‌وجو شود، چرا که ادبیات هر ملت در هر دوره آیینی تمام‌قد اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن در ادوار مختلف است. قانون‌سازی است از خانواده‌های زهی مطلق مانند سنتور و چنگ. ساز چنگ در طول تاریخ جلوه‌های مختلفی پیدا کرده است که یکی از آنها، سازی است با جعبه‌طنینی دوزنقه‌ای شکل به نام قانون. در عصر حاضر هویت ساز قانون توسط کشورهای همسایه ایران نظیر ترکیه و کشورهای عربی به‌کار گرفته شده است، ولی حضور ساز قانون در تاریخ موسیقی ایران سابقه‌ای طولانی دارد و این حضور در اشعار قرون مختلف ادبیات فارسی قابل مشاهده است. در این مقاله به بررسی حضور این ساز در اشعار شعرای قرن ۴ تا ۱۱ هجری که شامل شعرای سبک خراسانی، عراقی و هندی بوده پرداخته شده است.

یکی از پرسش‌هایی که در راستای تحقیق حاضر مطرح می‌شود این است که از کدام دوره‌ی تاریخی واژه‌ی قانون به مفهوم ساز موسیقایی به اشعار فارسی راه یافته است؟ پرسش دیگر در خصوص کمیت استفاده از واژه‌ی قانون به مفهوم ساز در اشعار دوره‌ها و سبک‌های شعری مختلف است. در کدام دوره‌ها و سبک‌های شعری، کاربرد واژه‌ی قانون به معنای ساز رواج بیشتری داشته است؟ در مقاله‌ی حاضر پس از یافتن پاسخ به این پرسش‌ها، یافته‌های تحقیق در جدول‌هایی آورده شده که معانی ساز قانون در شعر شعرا، سبک‌های شعری و کمیت کاربرد واژه‌ی قانون در دیوان هر شاعر و سبک شعری تدوین شده است.

با بررسی فرهنگ لغات معتبر می‌توان دریافت که واژه‌ی قانون در دل خود ایهامی نهفته دارد و سه معنی متفاوت را می‌رساند که عبارتند از ۱. معنای اصلی قانون؛ ۲. نام کتابی از بوعلی سینا و ۳. نام ساز. لذا تمام ابیاتی که این واژه در آن‌ها به کار رفته است لزوماً اشاره‌ی مستقیم

به ساز قانون ندارند و این امر با توجه به ارتباط آن بیت با ابیات قبل و بعد از خود و یا مراعات‌النظیر موجود در بیت و دیگر عناصر ادبی شناسایی می‌شود اما با این وجود گاهی تشخیص دقیق این امر بسیار مشکل است.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و اکتشافی بوده است. در روش کیفی از داده‌های حاصل از مشاهده و یا اسناد استفاده می‌شود و تأکید آن بر وجود انسان و معنا و مفهومی است که انسان در نظر دارد. روش پژوهش اکتشافی همانطور که از نام آن پیدا است به دنبال اکتشاف پدیده‌ها و یافتن پاسخ برای پدیده‌هایی است که رخ می‌دهد و این روش به ویژه زمانی مفید است که درباره یک پدیده شناخت کافی وجود ندارد. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و مدارک بوده است. بازه زمانی این مقاله از قرن ۴ تا ۱۱ هجری را شامل می‌شود. دلیل انتخاب این بازه زمانی وجود سبک‌های متعدد و اثرگذار ادبیات فارسی در این ادوار بوده است. جامعه‌ی آماری از ۳۲ شاعر ادب پارسی انتخاب شده است.

## قانون از دیدگاه لغوی

نام ساز قانون از واژه‌ی یونانی گرفته شده که به معنای قاعده و قانون است. در برابر واژه‌ی قانون در فرهنگ معین آمده است: «الف) قاعده، آیین (ب) اصل و مقیاس چیزی (ج) مقررات و احکام دولتی (د) یکی از آلات موسیقی شبیه به سنتور که با انگشتان دست نواخته می‌شود». در فرهنگ لغت دهخدا تعریف جامع‌تر و با دید مستقل‌تر به این ساز آورده شده است: «الف) منزلی است میان بعلبک و دمشق. (ب) کتابی است از شیخ‌الرئیس در علم طب. (ج) حکم اجباری که از دستگاه حکومت مقتدر مملکتی صدور یابد و مبنی و متکی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با طبیعت انسان باشد. (د) آلتی موسیقی متشکل از طبلی

رفته است. ابوسعید ابوالخیر، شاعر قرن چهارم یکبار از واژه‌ی قانون ولی به معنای نام کتاب از آن بهره برده است. قرن پنجم هجری نیز به همین منوال بوده و این واژه به معنای ساز به کار نمی‌رفته است. فرخی سیستانی و مسعود سعد سلمان از آن به معنای اصلی آن یعنی قانون و قاعده بهره برده‌اند. به نظر می‌رسد قانون به معنای ساز برای نخستین بار در شعر قرن ششم هجری ظاهر می‌شود. خاقانی شروانی و نظامی گنجوی از نخستین شاعرانی هستند که در قرن ششم هجری از واژه‌ی قانون به عنوان نام ساز بهره برده‌اند. خاقانی شروانی شاعر قرن ششم و از بزرگترین نمایندگان مکتب آذربایجانی که از شاخه‌های سبک عراقی است، قانون را به مفهوم ساز موسیقایی به کار برده است: «خرقه شکافان ذوق بی دف و نی در سماع/ جبه فشانان شید تابع قانون و دف». نظامی گنجوی از دیگر شاعران قرن ششم و سبک عراقی از واژه‌ی قانون به مفهوم ساز استفاده کرده است: «قانون مغنیان بغداد/ بیاع معاملان فریاد» (نظامی گنجوی، ۱۳۶۶: ۴۷۰) و «نوا ساز خنیاگران شگرف/ به قانون او زان برآورده حرف» (همان: ۱۰۸۳). شاعران دیگر قرن ششم مانند سنایی، رشیدالدین وطواط و انوری از واژه قانون به معنای نام کتاب و یا معنای اصلی آن بهره برده‌اند.

در میان شاعران قرن هفتم، قانون به مفهوم ساز در اشعار مولوی از دیگر شاعران سبک عراقی مشاهده می‌شود: «بزن ای مطرب قانون هوس لیلی و مجنون/ که من از سلسله جستم وتد هوش بکندم» (مولوی، ۱۳۵۴: ۶۱۰) و یا «چو نایم ببوسد چو دهم زند/ چه خوش چنگ ورزد به قانون من» (همان: ۷۸۳) و «چنگ و قانون جهان را تارهاست/ ناله‌ی هرتار در فرمان تو» (همان: ۸۳۳). نمونه‌های دیگر از این دست در اشعار مولوی فراوان است. در بیت زیر، با توجه به واژه‌ی «طریق» که در اشعار پارسی گاهی به معنای مقام موسیقایی آمده است؛ بیت می‌تواند دارای ابهام بعید و اشاره به ساز قانون داشته

مسطح و مستطیل که سیم‌های فلزی به آن نصب شده و با انگشت سبابه مسلح به زبانه فلزی آن را در حالی که روی زانو نهاده‌اند می‌نوازند».

### پیشینه‌ی ساز قانون در موسیقی ایران

درباره‌ی پیشینه‌ی ساز قانون برخی ابداع این ساز را به ابونصر فارابی نسبت می‌دهند، ولی سندی در این باره موجود نیست. محمد امین بن میرزا زمان بخاری در *محیط‌التواریخ*، قانون را متعلق به افلاطون می‌داند؛ و به عقیده‌ی حاجی حسین ظهیری اصفهانی، در رساله موسیقی خود، قانون حکیم سازهاست (به نقل از مسعودیه، ۱۳۸۴: ۲۲۸). عبدالقادر در *رسالات جامع الالحن، مقاصد الالحن*، شرح *ادوار و زوائد الفوائد*، به توصیف ساز قانون پرداخته است. تشریح ساز قانون در *کنزالتحف حسن کاشانی* با ارائه‌ی تصویر و توصیفات کامل‌تری ارائه شده است. قانون در آثار عبدالقادر به صورت کاسه‌ای مثلثی شکل و بدون دسته و همچنین دارای یک سطح توصیف شده است. قانون در رسالات عبدالقادر دارای هفتاد و دو زه معرفی شده که هر سه زه به صورت هم‌صدا کوک می‌شده‌اند (عبدالقادر مراغی، ۱۳۷۱: ۳۵۴). با توجه به اینکه در شرح *الادوار* تعداد کل زه‌های قانون را هفتاد و دو عدد ذکر کرده می‌توان حدس زد که تعداد صداها‌ی استخراج شده از قانون بیست و چهار صدا بوده است، البته با فرض بر اینکه همه زه‌ها سه‌تایی کوک می‌شدند. کاشانی تعداد زه‌های قانون را شصت و چهار زه از سه نوع «بم»، «مثلث» و «مثنی» ذکر می‌کند که هر سه زه به صورت هم‌صدا کوک می‌شده‌اند. ترتیب زه‌ها به این صورت است که در قسمت وسط دو زه «مثنی» و یک زه «بم» قرار می‌گرفته‌اند (کاشانی، ۱۳۷۱: ۱۱۷).

### قانون در شعر فارسی

با مطالعه بر اشعار شاعران ملاحظه می‌شود که در قرن چهارم هجری واژه‌ی قانون به معنای ساز به کار نمی‌

است. چند نمونه از ابیات فراوان او که قانون به مفهوم ساز ذکر شده، آورده می‌شود: «میر مجلس را چه بگشاید ز من جز دردسر/ زآنکه چنگ من به قانون حریفان ساز نیست» (وحشی بافقی، ۱۳۸۹: ۳۷). یا: «چو قانون خود به چنگ مخالف کنم به ساز/ چون نیست احتمال رهایی ز چنگ تو» (همان: ۱۲۷) و یا: «نوا سازان نوا کردند آهنگ/ سخن در پرده قانون گفت با چنگ» (همان: ۳۸۵). وحشی بافقی در این خصوص ابیات فراوانی دارد. محتشم کاشانی از شاعران قرن دهم هجری، از پیروان مکتب وقوع یا واسوخت و از مهم‌ترین مرثیه‌سرایان شیعه است. وی نیز به کزات از واژه‌ی قانون به معنای ساز موسیقایی بهره برده است: «در پرده‌ی عشق آهنگ زد ای فتنه قانون ساز کن/ صحبت گذشت از زمزمه ای دل خروش آغاز کن» (محتشم کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۱۳) و یا «ناهیید همچو عود بر آتش فکنده چنگ/ تقویتش ساز کرده چو قانون احتساب» (همان: ۳۲۳). عرفی شیرازی از دیگر شاعران قرن دهم و سبک هندی است. وی نیز همچون شاعران هم‌عصر خود، قانون را به مفهوم ساز استفاده کرده است: «وه چه بزم دلگشاییست، آن که اهل درد را/ ناله‌ی ماتم نشان از نغمه‌ی قانون دهد». فیض کاشانی از دیگر شاعران عهد صفوی، برعکس شاعران هم‌عصر خود که به سبک هندی شعر می‌سرودند، در سبک عراقی طبع‌آزمایی می‌کرده است. از وی نیز ابیاتی در راستای مقاله‌ی حاضر به جا مانده است: «مطربا چون دست بر قانون کشند/ ناله‌ی من هم به قانون می‌کشند»<sup>۷</sup>.

کلیم کاشانی از شاعران قرن یازدهم است که در عصر صفوی می‌زیسته و در سبک هندی شعر می‌سروده است. در اشعار وی نیز قانون به معنای ساز ذکر شده است: «عمرها رفت که قانون طرب تار ندید/ دل به جز دیده‌ی تر ساغر سرشار ندید» (کلیم کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۶۱) و یا «زمانه ز انسان قانون اعتدال نواخت/ کز آب و آتش آسوده شد دف قوال» (همان: ۱۳). بیدل دهلوی از دیگر

باشد: «گمرهی‌های عشق تو بردرد/ صد هزاران طریق و قانون» (همان: ۱۴۰). سیف‌الدین فرغانی از شاعران ایرانی قرن هفتم و هشتم هجری و نماینده سبک خراسانی است. وی در اشعارش، قانون را به مفهوم ساز به کار برده است: «قانون شعر و معنی بکر تو زهه‌ای است/ خوش نغمه چون بریشم باریک همچو تار» (سیف‌الدین فرغانی، ۱۳۴۱: ۷۷). سلمان ساوجی از شاعران قرن هشتم و سبک عراقی چنین بیتی دارد: «مغنی چون نوای عود دادی/ نوای زهره از قانون فتادی»<sup>۳</sup>.

شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، از بزرگترین شعرای غزل‌سرای پارسی که در قرن ۸ می‌زیست و نماینده سبک عراقی به شمار می‌رود، قانون را به مفهوم ساز به کار برده است: «خدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش/ که ساز شرع ازین افسانه بی‌قانون نخواهد شد» (حافظ شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). خواجهی کرمانی از دیگر شاعران قرن هشتم چنین بیتی دارد: «این ضربت بی‌قانون تا چند زنی بر من/ یک روز چو چنگ آخر در برکش و بنوازم»<sup>۴</sup>. شاه نعمت‌الله ولی، شاعر و عارف قرن ۸ و ۹ بیتی دارد که دارای ایهام بعید است و راه راست می‌تواند اشاره به مقام راست در موسیقی قدیم ایران داشته باشد: «گرچه چپ بود راست ره می‌رفت/ راستی رفتنش به قانون است» (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۰: ۵۶۴). عبدالرحمان جامی از آخرین شاعران سبک عراقی، در چندین بیت از قانون به مفهوم ساز استفاده کرده است: «نغمه‌ی این عود موزون چون بود/ لحن این مطرب به قانون چون بود» (عبدالرحمان جامی، ۱۳۶۸: ۳۱۸). هلالی جغتایی از دیگر شاعران قرن نهم که از پیشگامان مکتب واسوخت است، بیتی دارد که با توجه به مراعات‌النظیر بین واژه‌های بزم و قانون بیت می‌تواند ایهام بعید داشته باشد: «در بزم غمت با دل پر درد هلالی/ هر لحظه به قانون دگر ناله کشیده»<sup>۵</sup>.

وحشی بافقی از شاعران قرن دهم هجری است که در اشعار او توجه وافری به موسیقی و به ویژه ساز قانون شده

همچنین طبق این جدول مشاهده می‌شود که نخستین بار واژه‌ی قانون در قرن ششم هجری توسط خاقانی شروانی و نظامی گنجوی به معنای ساز موسیقایی استفاده شده است. در عصر صفوی و نزد شاعران سبک هندی و سبک وقوع، کاربرد واژه‌ی قانون به معنای ساز بیشترین رواج را داشته است، به طوری که بیدل دهلوی ۴۰ بار، وحشی بافقی ۱۹ بار، صائب تبریزی ۱۵ بار و محتشم کاشانی ۱۱ بار در اشعارشان نام ساز قانون را ذکر کرده‌اند. در جدول ۲ که تعداد ابیات به تفکیک سبک شعری آمده، ملاحظه می‌شود که نام ساز قانون در اشعار سبک هندی بیشترین کاربرد را داشته که در ۶۰ بیت از ابیات سبک هندی این واژه به معنای ساز آمده است. نکته‌ی قابل توجه این است که در اشعار سبک خراسانی نام قانون به مفهوم ساز وجود ندارد. ابوسعید ابوالخیر در قرن چهارم یک بار این واژه را به معنای نام کتاب آورده است و مسعود سعد سلمان و فرخی سیستانی نیز از آن به معنای اصلی آن استفاده کرده‌اند. طبق جدول ۳ که نام ساز قانون به تفکیک سلسله حکومت‌ها تدوین شده، بیشترین کاربرد نام قانون به مفهوم ساز متعلق به عصر صفوی است که ۹۰ بیت از اشعار متعلق به عصر صفوی هستند.

شاعران قرن یازدهم هجری است که اشعار وی سرشار از اصطلاحات موسیقایی و به‌ویژه ساز قانون است که در اینجا تنها چند بیت از این اشعار انتخاب می‌شود: «نغمه‌ی قانون وحدت بر تو نازش‌ها کند/ گر به رنگ تار ساز از بم ندانی زیر را» (بیدل دهلوی، ۱۳۸۶: ۲۶). یا: «تعلق بود سیر آهنگ چندین نوحه سازی‌ها/ قفس آموخت مارا صنعت قانون نوازی‌ها» (همان: ۵۲). و یا «قانون به زخمه نازان، دف از تپانچه خندان/ بر ساز ما فتادست یکسر بلای مطرب» (همان: ۱۵۱). این ابیات تنها سه نمونه از ده‌ها بیت بیدل دهلوی است که ساز قانون در آنها ذکر شده است. صائب تبریزی از دیگر شاعران قرن یازدهم است که سبک شعر هندی را به کمال رساند. وی در پانزده بیت از اشعارش به نام ساز قانون اشاره کرده که در اینجا چند نمونه از این ابیات آورده می‌شود: «هیچ ساز از دنوازی نیست سیر آهنگ‌تر/ چنگ را بگذار قانون محبت ساز ده» (صائب تبریزی، ۱۳۷۳: ۶۶۲)؛ «نغمه‌ی شوخی ندارد چون تو قانون فلک/ پرده ساز و پرده سوز و پرده دار عالمی» (همان: ۶۷۶) و یا «گسسته است سررشته‌ی امیدها را/ چه سان ناله از دل به قانون برآید» (همان: ۳۳۱).

### یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های تحقیق، کاربرد واژه‌ی قانون در اشعار شاعران فارسی معانی چند وجهی داشته و شامل مفاهیمی مانند قاعده و قانون، نام کتاب و نام سازی موسیقایی می‌شده است. در جدول شماره ۱ تعداد ابیات حاوی واژه‌ی قانون به تفکیک موضوع در شعر شاعران قرون چهارم تا یازدهم تدوین شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود در مجموع واژه‌ی قانون، ۱۱۳ بار به معنای ساز موسیقایی، ۲۶ بار به معنای نام کتاب و ۹۷ بار به معنای اصلی آن یعنی قاعده و قانون در اشعار فارسی ذکر شده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود کاربرد واژه‌ی قانون به مفهوم ساز نسبت به دو معنای دیگر بیشتر بوده است.

**جدول ۱.** نام شاعران، دوره تاریخی، سبک شعری و تعداد ابیات حاوی «قانون» به تفکیک موضوع

نام شاعر	قرن	سلسله	سبک	قانون در معنای نام ساز	قانون در معنای نام کتاب	قانون در معنای اصلی
رودکی	۴	سامانیان	خراسانی	۰	۰	۰
ابوالسعید ابوالخیر	۴	غزنویان	خراسانی	۰	۱	۰
منوچهری دامغانی	۴ و ۵	آل زیار	عراقی	۰	۰	۰
فرخی سیستانی	۵	غزنویان	خراسانی	۰	۰	۲
مسعود سعد سلمان	۵ و ۶	غزنویان	خراسانی	۰	۰	۲
خیام	۶	سلجوقیان خوارزمشایان	عراقی	۰	۰	۰
سنایی	۶	غزنویان	عراقی	۰	۱	۲
رشیدالدین وطواط	۶	خوارزمشاهیان	عراقی	۰	۱	۲
انوری	۶	قراخانیان	خراسانی عراقی	۰	۰	۹
خاقانی شروانی	۶	شروانشاهیان	عراقی	۱	۰	۳
نظامی گنجوی	۶	سلجوقیان	عراقی	۳	۰	۴
عطار نیشابوری	۶ و ۷	خوارزمشاهیان	عراقی	۰	۱	۴
مولوی	۷	خوارزمشاهیان	عراقی	۸	۰	۱۹
سعدی	۷	ایلخانیان	عراقی	۰	۰	۰
فخرالدین عراقی	۷	ایلخانیان	عراقی	۰	۰	۰
سیف فرغانی	۷ و ۸	ایلخانیان	خراسانی	۱	۱۱	۰
اوحدی مراغه‌ای	۸	ایلخانیان	عراقی	۰	۲	۴
شیخ محمود شبستری	۸	ایلخانیان	عراقی	۰	۰	۱
سلمان ساوجی	۸	جلایریان	عراقی	۱	۴	۳
حافظ شیرازی	۸	آل مظفر	عراقی	۱	۰	۱
خواجو کرمانی	۸	آل مظفر	عراقی	۱	۱	۱
شاه نعمت‌الله ولی	۸ و ۹	نعمت‌اللهی	عراقی	۱	۰	۱
عبدالرحمان جامی	۹	تیموریان	عراقی	۳	۲	۱۵
هلالی جغتایی	۹	تیموریان	وقوع	۲	۰	۰
وحشی بافقی	۱۰	صفویان	وقوع	۱۹	۰	۳
محتشم کاشانی	۱۰	صفویان	وقوع	۱۱	۱	۹
عرفی شیرازی	۱۰	صفویان	هندی	۱	۰	۱
فیض کاشانی	۱۱	صفویان	عراقی	۱	۱	۲
کلیم کاشانی	۱۱	صفویان	هندی	۴	۰	۱
بیدل دهلوی	۱۱	صفویان	هندی	۴۰	۰	۰
صائب تبریزی	۱۱	صفویان	هندی	۱۵	۰	۸
مجموع				۱۱۳	۲۶	۹۷

جدول ۲. تعداد ابیات به تفکیک سبک

تعداد ابیات دارای نام ساز	سبک
۰	خراسانی
۲۱	عراقی
۲۴	وقوع
۶۰	هندی

خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی، عبدالرحمن جامی و دیگران از آن به مفهوم ساز در اشعارشان استفاده کرده‌اند. نکته‌ی قابل توجه فراوانی نام ساز قانون در شعر شاعران قرون دهم و یازدهم هجری در عصر صفوی است که شاعران سبک هندی و سبک وقوع هستند. بیشترین کاربرد واژه‌ی قانون به معنای ساز در اشعار بیدل دهلوی است که نام ساز قانون ۴۰ بار در اشعارش ذکر شده است.

جدول ۳. تعداد ابیات به تفکیک حکومت‌ها

تعداد ابیات	سلسله	تعداد ابیات	سلسله
۹	خوارزمشاهیان	۰	سامانیان
۲	ایلخانیان	۰	آل زیار
۲	آل مظفر	۰	قراخانیان
۱	نعمت‌اللهی	۱	شروانیان
۴	تیموریان	۰	غزنویان
۹۰	صفویان	۳	سلجوقیان

### پی‌نوشت

۱. لازم به ذکر است تعاریف به جز تعریف ساز قانون چون در حوزه پژوهش ما نمی‌گنجد به اختصار آورده شده است.
۲. برگرفته از تارنمای گنجور:  
<https://ganjooor.net/khaghani/divankh/ghetekh/sh223>
۳. برگرفته از تارنمای گنجور:  
<https://ganjooor.net/salman/jamkhor/sh15>
۴. برگرفته از تارنمای گنجور:  
<https://ganjooor.net/khajoo/ghazal-khajoo/sh654>
۵. برگرفته از تارنمای گنجور:  
<https://ganjooor.net/helali/ghazalh/sh363>
۶. برگرفته از تارنمای گنجور:  
<https://ganjooor.net/orfi/ghazalor/sh233>
۷. برگرفته از تارنمای گنجور  
<https://ganjooor.net/feyz/divanz/ghazalz/sh625>

### منابع

- ابوالخیر، ابوسعید (۱۳۹۴). *دیوان کامل ابوسعید ابوالخیر*، تصحیح صابر کرمانی، تهران: اقبال.
- انوری (۱۳۴۰). *دیوان انوری، مقطعات غزلیات رباعیات انوری*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اوحدی مراغه‌ای، (۱۲۳۶). *دیوان اوحدی مراغه‌ای*، تصحیح امیراحمد اشرفی، تهران: پیشرو.
- بیدل دهلوی (۱۳۸۶). *دیوان مولانا بیدل دهلوی*، تهران: سنایی.
- جامی، عبدالرحمان بن احمد (۱۳۶۸). *هفت اورنگ*، تصحیح آقا مرتضی مدرس گیلانی، تهران: سعدی (سرای اخوان).

### نتیجه‌گیری

با مطالعه‌ی نام قانون در شعر شاعران فارسی می‌توان به نتایج جالب توجهی دست یافت. واژه‌ی قانون در شعر شعرای قرون چهارم و پنجم و سبک خراسانی به معنای ساز موسیقایی استفاده نمی‌شده است. قانون به معنای ساز نخستین بار در شعر قرن ششم و در اشعار خاقانی شروانی و نظامی گنجوی ظاهر می‌شود که هر دو شاعر متعلق به غرب ایران هستند. جالب توجه است که شاعران دیگر قرن ششم مانند سنایی، انوری و رشیدالدین وطواط از واژه‌ی قانون به معنای نام کتاب و یا معنای اصلی آن بهره برده‌اند. اینکه نام این ساز در اشعار شعرای سبک خراسانی و مناطق شرق ایران رواج نداشته، قابل تأمل است. شاید تا قرن ششم هجری این ساز در مناطق شرق ایران رایج نبوده و شاید هم به نام قانون خوانده نمی‌شده است. به تدریج کاربرد واژه‌ی قانون به معنای ساز موسیقایی در شعر شاعران قرون هفتم به بعد رواج یافته است و شاعرانی چون مولوی، حافظ شیرازی،

- جغتایی، هلالی (۱۳۹۳). کلیات هلالی جغتایی، تصحیح عباس یزدی، تهران: فرهنگ دانشجو.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۸). دیوان حافظ شیرازی، مصحح محمد قزوینی، قاسم غنی. تهران: زرین و سیمین.
- خاقانی شروانی (۱۳۷۵). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز. خواجه‌ی کرمانی (۱۳۷۴). دیوان کامل خواجه‌ی کرمانی، تصحیح حسن قانع، تهران: بهزاد.
- خیام، ابوالفتح عمر بن ابراهیم (۱۳۰۵). رباعیات حکیم عمر خیام، تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه فردوسی.
- ساوچی، سلمان بن محمد، نسخه خطی، کلیات سلمان ساوچی. سلمان، مسعود سعد (۱۳۳۹). دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح رشیدی یاسمی، تهران: پیروز.
- سعدی شیرازی (۱۳۳۵). کلیات مصلح‌الدین سعدی شیرازی، تهران: مطبع مظفری.
- صائب تبریزی (۱۳۷۳). دیوان صائب تبریزی، مقدمه سیروس شمیسا، تهران: مستوفی - بهزاد.
- عبدالقادر مراغه‌ای (۱۳۷۱). شرح ادوار (با متن ادوار و زوائد/فوائد)، به اهتمام تقی بینش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عراقی، فخرالدین ابراهیم بن شهریار همدانی (۱۳۲۶). دیوان فخرالدین عراقی، تهران: کانپور.
- عرفی شیرازی (۱۳۷۸). کلیات عرفی شیرازی، جلد ۱ غزلیات. تصحیح محمد ولی‌الحق انصاری، تهران: دانشگاه تهران.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۹). جوهرالذات، تهران: نولکشور.
- فرخی سیستانی (۱۳۷۱). دیوان فرخی سیستانی، تصحیح محمد دبیر سیاقی، زوار.
- فرغانی، سیف‌الدین محمد (۱۳۴۱). دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
- کاشانی، ابوطالب کلیم (۱۳۳۶). دیوان قصائد غزلیات مثنویات مقطعات ابوطالب کلیم کاشانی، تهران: خیام.
- کاشانی، حسن (۱۳۷۱). کنزالتحف، سه رساله فارسی در موسیقی، به اهتمام تقی بینش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کاشانی، فیض (۱۳۷۱). دیوان کامل فیض کاشانی، تصحیح سیدعلی شفیعی، تهران: چکامه.
- کاشانی، محتشم (۱۳۷۹). دیوان محتشم کاشانی، تصحیح اکبر بهداروند، تهران: نگاه.
- مسعودیه، محمدتقی (۱۳۸۴). سازهای ایران، تهران: زرین و سیمین.
- منوچهری دامغانی (۱۳۷۵). دیوان منوچهری دامغانی، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۵۴). کلیات شمس، تصحیح و مقدمه محمدحسن فروزانفر و علی دشتی، تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۶۶). پنج گنج: خمسه حکیم نظامی گنجه‌ای، تهران: امیرکبیر.
- نعمت‌الله ولی (۱۳۸۰). کلیات دیوان شاه نعمت‌الله ولی، تهران: گلی
- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۸۹). دیوان وحشی بافقی، تهران: پیمان.
- وطواط، رشیدالدین سعد الملک (۱۳۳۹). دیوان رشیدالدین وطواط، تهران: بارانی.

<https://ganjoor.net/khaghani/divankh/ghetekh/sh223/>

<https://ganjoor.net/salman/jamkhor/sh15/>

<https://ganjoor.net/khajoo/ghazal-khajoo/sh654/>

<https://ganjoor.net/helali/ghazalh/sh363/>

<https://ganjoor.net/orfi/ghazalor/sh233/>

<https://ganjoor.net/feyz/divanz/ghazalz/sh625/>